بازکاوی مفهوم «قرض حسن» در قرآن مجید

✍ **سیدمحمود طیب‌حسینی**/ دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه tayyebhoseini@rihu.ac.ir
مطهره‌سادات طیب‌حسینی/ کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران
دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷ ـ **پذیرش:** ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

چکیده

یکی از مفاهیم قرآنی که جایگاه ویژه‌ای در میان مفاهیم ناظر بر روابط اجتماعی میان مسلمانان در جامعه اسلامی دارد، مفهوم «قرض حسن» است. ترکیب وصفی «قرضاً حسناً» شش بار، و با فعل آن از باب اِفعال مجموعاً دوازده بار در قرآن مجید آمده است. مقاله حاضر درصدد است با روش تحلیلی، به واکاوی این مفهوم در فرهنگ عرب و قرآن بپردازد و رابطه این مفهوم قرآنی را با تلقی عمومی و دیدگاه مفسران از آن ارزیابی کند. حاصل پژوهش آن است که «قرض حسن» از نظر مفهوم، انواع تعامل نیک با دیگران را شامل می‌شود، و «قرض حسن به خدا» هر نوع عمل خداپسندانه را دربر می‌گیرد؛ اما در بافت قرآن مجید صرفاً درباره خدا به‌کار رفته است و در همه موارد کاربردش، مؤمنان با این تعبیر، به کمک‌های مالی به پیامبرﷺ به‌منظور دفاع از دین و جامعه اسلامی یا گسترش دین در زمین یا اطاعت از پیامبرﷺ سفارش و تشویق شده‌اند. در روایات اهل‌بیتﷺ نیز این مفهوم قرآنی به تقدیم مال به امامان معصومﷺ با همان دو هدف یادشده تفسیر شده است، که در عصر غیبت قابل تعمیم به کمک‌های مالی به فقیهان جامع‌الشرایط یا حاکم مشروع (ولی فقیه) به منظور تحقق همان دو هدف است.

کلیدواژه‌ها: قرض حسن، قرض‌الحسنه، انفاق فی سبیل الله، مفاهیم قرآن، صله دادن به امام.

مقدمه

یکی از دانش‌های ابزاری که نقش اساسی در فهم و تفسیر قرآن دارد، دانش واژه‌شناسی قرآن است که اغلب با عنوان مفردات قرآن شناخته می‌شود. یکی از مفاهیم مهم قرآن مجید ناظر به زندگی اجتماعی مؤمنان، مفهوم قرض حسن است. این مفهوم شش بار در شش سوره مختلف مکی و مدنی آمده و در برخی موارد در ردیف اقامه نماز و پرداخت زکات قرار گرفته است. تلقی رایج در میان عموم مردم از مفهوم «قرض حسن» در قرآن نیز همان قرض دادن به برادران مؤمن است و دیدگاه مشهور نزد مفسران، مقصود از آن را مطلق انفاق در راه خدا می‌دانند. مقاله حاضر درصدد است مفهوم قرآنی «قرض حسن» را در فرهنگ عربی و قرآن مجید بررسی کرده، صحت دیدگاه مفسران در تفسیر این مفهوم را ارزیابی کند.

پیشینه

درباره قرض‌الحسنه در قرآن سه مقاله زیر قابل توجه است: ۱. مقاله «قرض‌الحسنه، نگرشی تفسیری ـ روایی»، تألیف مجید حبیبیان نقیبی، که در شماره ۱۶ مجله اقتصاد اسلامی منتشر شده است. مؤلف در این مقاله به‌درستی قرض‌الحسنه در میان مردم را بیگانه از دلالت آیات مشتمل بر عبارت «قرض حسن» دانسته و محور اصلی بحث وی در مقاله‌اش اثبات مشروعیت قرض‌الحسنه در اسلام با استفاده از دلالت دیگر آیات قرآن است. ۲. مقاله «الگوی بازار قرض‌الحسنه بر اساس تحلیل محتوای آیات قرآن»، تألیف وحید مقدم و همکاران، که در شماره ۶۵ همان مجله منتشر شده است. برخلاف مقاله نخست، مؤلفان این مقاله مقصود از «قرض حسن» در قرآن را همان قرض‌الحسنه در فرهنگ اسلامی، یعنی اعطای قرض بدون ربا به مردم دانسته‌اند. رویکرد اصلی مقاله اخیر تبیین جایگاه قرض‌الحسنه به مردم در نظام اقتصاد اسلامی است و برای این منظور، علاوه بر استناد به آیات مشتمل بر تعبیر «قرض حسن»، به آیات دیگر قرآن، از جمله آیات مربوط به دین، غرامت و... نیز استناد کرده‌اند. ۳. مقاله «بازخوانی مفهوم قرض در قرآن کریم با تکیه بر انسان‌شناسی اقتصادی»، تألیف عباس مصلایی‌پور، محمدحسن و محمدحسین شیرزاد، که در شماره ۱۸ مجله مطالعات اقتصاد اسلامی (۱۳۹۶) منتشر شده است. مؤلفان در این مقاله مفهوم قرض را مبتنی بر علم انسان‌شناسی اقتصادی معنا کرده و نتیجه گرفته‌اند که «قرض» نوعی مبادله اقتصادی است که مبادله‌گران از طریق تملیک بخشی از اموال خود به یکدیگر و جریان آن، بعد از مدتی در مسیر تقویت همکاری‌های جمعی حرکت می‌کنند و قرض ابزاری برای پی‌ریزی جامعه‌ای منسجم‌تر و همبسته‌تر است؛ اما در قرآن، خداوند متعال با قرار دادن خویش در جایگاه قرض‌گیرنده، درصدد دور ساختن مخاطبان از منطق‌های اقتصادی متعارف، یعنی سودمحوری و اصالت بخشیدن به اموال است. بنابراین در این مقاله نیز مقصود از «قرض حسن به خدا» قرض دادن مال به مردم دانسته شده است. تفاوت مقاله حاضر با سه مقاله یادشده در این است که این مقاله مفهوم «قرض» و «قرض حسن» را در فرهنگ عربی تحقیق کرده، سپس به صورت موضوعی و با تکیه بر سیاق مجموعه آیات، مقصود از این تعبیر را در قرآن مجید بررسی می‌کند و در ضمنِ این بررسی، به ارزیابی

دیدگاه مفسران می‌پردازد؛ در حالی که موضوع مقاله نخست، اثبات مشروعیت قرض‌الحسنه به مفهوم اقتصادی‌اش در قرآن با استناد به آیات غیر مشتمل بر عبارت «قرضاً حسناً» است و دو مقاله اخیر نیز سه تفاوت با مقاله حاضر دارند: نخست آنکه در هر دو مقاله مفهوم قرض بدون توجه به سیاق آیات و به صورت موضوعی در قرآن بررسی شده است؛ دوم آنکه از نظر نتیجه نیز کاملاً میان آن دو مقاله و مقاله حاضر تفاوت وجود دارد و سوم آنکه در مقاله حاضر روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر قرض حسن مورد توجه قرار گرفته است.

روش تحقیق

روش بحث در بررسی مفهوم «قرض حسن» در مقاله حاضر تحلیل محتواست.[۱] برای این منظور، ابتدا دیدگاه‌های مفسران گزارش و ارزیابی می‌شود؛ پس از آن به مضمون روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام در تفسیر مفهوم مورد بحث اشاره شده، سپس با تکیه بر فرهنگ‌های لغت عربی و خود قرآن مجید معنای مقصود از این تعبیر در قرآن مجید کشف می‌گردد.

مروری بر دیدگاه‌ها درباره معنای «قرض حسن»

پیش از تحقیق درباره معنای «قرض حسن» در فرهنگ عرب و قرآن، لازم است دیدگاه‌های موجود درباره تفسیر این مفهوم از نظر گذرانده شود؛ با ذکر این نکته که از مفسران صحابه دیدگاه خاصی در زمینه تفسیر «قرض حسن» ارائه نشده است.

۱. انفاق در راه جهاد در راه خدا: این دیدگاه نخستین بار از سوی مفسر تابعی، ابن زید (د ۷۵ق) در ذیل آیه ۲۴۵ سوره بقره مطرح شده (طبرانی، ۲۰۰۸، ج۱، ص۴۴۳) و مقبول برخی مفسران متأخر، مانند فخر رازی (د ۶۲۴ق) و پاره‌ای مفسران معاصر افتاده است؛ مثلاً عبده نیز همین معنا را برای این مفهوم در سوره بقره برگزیده و مقصود از آن را هر نوع انفاق مالی در راه جهاد یا عملی که موجب اعتلای امر دین شود و امت مسلمان را حفظ کند و دشمنان را از تجاوز به حریم دین اسلام و مسلمانان بازدارد، دانسته است (رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج۲، ص۴۶۲). سید قطب نیز با اشاره به اینکه در قرآن غالباً «قرض حسن» با جهاد در راه خدا همراه شده، در این دست از آیات آن را به انفاق در راه جهاد معنا کرده است (قطب، ۱۴۲۵، ج۱، ص۲۱۵)؛ اما هر دو مفسر در ذیل آیه ۱۲ سورهٔ مائده، «قرض حسن» را به ترتیب به انفاقات مستحب و مطلق انفاق در راه خدا تفسیر کرده‌اند (همان، ج۲، ص۸۵۸).

۲. انفاقات مستحبی در راه بِرّ و نیکوکاری: این دیدگاه نیز نخستین بار از سوی حسن بصری، مفسر تابعی معروف (د۱۱۰ق) ارائه شده (طبرانی، ۲۰۰۸، ج۱، ص۴۴۳) و بیشترین تأثیر را در تاریخ تفسیر بر مفسران متأخر گذاشته است؛ مثلاً شیخ طوسی(د۴۶۰ق)، طبرسی (د۵۴۸ق)، علامه طباطبایی و آیت‌الله مکارم از مفسران معاصر، این تفسیر را ترجیح داده‌اند (ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج۲، ص۲۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج۲، ص۶۰۸ و۶۰۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۲، ص۲۸۴؛ مکارم، ۱۳۷۱، ج۲، ص۲۲۵). فخر رازی نیز با تعبیر «اعم از انفاق واجب و مستحب»، همین دیدگاه را ترجیح داده است (ر.ک: فخر رازی،۱۴۲۰، ج۶، ص۴۹۹).

۳. مجاهده و تلاش در راه خدا به‌علاوه انفاق در راه خدا: در این دیدگاه، «قرض حسن»، هم به تلاش عملی و بدنی در راه خدا و هم انفاق در راه خدا تفسیر شده است. گویا طبری (د ۳۰۷ق) نیز که در تفسیر این عبارت از انفاق در راه خدا و کمک به ضعفا یا تقویت مجاهد فقیری که اراده جهاد در راه خدا را دارد، سخن گفته، به این دیدگاه گرایش یافته است (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲، ج۲، ص۳۷۱).

٤. «إقراضُ الله»: کنایه از هر عملی است که شخص با آن خواهان پاداش باشد، و در آیه ۲۴۵ سورهٔ بقره مقصود از آن، جهاد در راه خداست یا مالی که در راه جهاد هزینه شود (زمخشری، ۱۴۰۷، ج۱، ص۲۹۱ – ۲۹۲؛ طبرسی ۱۴۱۲، ج۱، ص۱۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج۱، ص۵۵۴). قرشی، از مفسران معاصر شیعه، نیز دیدگاهی نزدیک به همین دیدگاه را اختیار کرده است: می‌توان گفت همه اعمال نیک، اعم از بدنی و مالی، قرض حسن‌اند که آنها به خدا تحویل می‌شوند و خدا در مقابل آنها پاداش خواهد داد (قرشی، ۱۳۷۱، ج۵، ص۳۰۷).

۵. انفاقات واجب: فخر رازی دومین دیدگاه در تفسیر «قرض حسن» را انفاقات واجب در راه خدا گزارش کرده است (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج۶، ص۴۹۹).

٦. انفاقات واجب و غیر واجب: برخی از مفسران مقصود از قرض حسن در قرآن را برابر با مفهوم زکات در قرآن دانسته و آن را شامل انواع انفاقات، اعم از واجب و مستحب، شمرده‌اند. طیب، از مفسران معاصر شیعه، این دیدگاه را انتخاب کرده و با تعمیم آن به جمیع انفاقات واجب و مستحب، متأثر از روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام خمس و هزینه برای مراسم سوگواری اهل‌بیت علیهم‌السلام را نیز از مصادیق آن برشمرده است:

> **«قرض حسن» جمیع انفاقات واجبه و مستحبه را که در شریعت مطهره اسلام مقرر شده، شامل می‌گردد؛ مانند زکات و خمس و نفقه واجب‌النفقه و صدقه مستحبه و صله رحم و احسان به فقرا و ایتام و سادات و اعلای کلمه دین و مصارف حج و زیارات و سوگواری خاندان عصمت و طهارت و اعانت به اهل علم و نشر کتب علمیه و سایر مصارف خیریه، که هر یک در حد خود عبادتی بزرگ و دارای مثوبات بسیار است (طیب، ۱۳٦۹، ج۲، ص٤۹۹).**

۷. عبادت و ذکر خدا: بعضی نیز مقصود از «قرض حسن» را نه انفاقات مالی، بلکه عباداتی چون ذکر تسبیحات اربعه دانسته‌اند (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج۶، ص۴۹۹).

۸. قرض دادن بدون ربا به بندگان خدا: تفسیر «قرض حسن» به قرض دادن به بندگان خدا که اقتضای تقدیر یک مضاف در آیه دارد (یقرِضُ عبادَ الله)، ظاهراً ابتدا از سوی کاشفی (د ۹۱۰ق) در تفسیر ***مواهب علّیه*** مطرح شد (بی‌تا، ج۱، ص۸۱)، و پس از وی ملافتح‌الله کاشانی (د ۹۸۸ق) در ***منهج الصادقین*** بیان کرد (بی‌تا، ج۲، ص۵۳) و در همان زمان مورد نقد جرجانی در ***تفسیر ثناهی*** قرار گرفت (ر.ک: جرجانی، ۱۳۶۲، ج۲، ص۱۶۲)؛ سپس برخی مفسران و نویسندگان معاصر به این تفسیر گرایش یافته‌اند. نویسنده‌ای در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ تشریع قرض‌الحسنه در قرآن» می‌نویسد:

> **اولین دستور پیرامون قرض‌الحسنه، در آیه ۲۰ سوره مزمل اعلام شده که تاریخ نزول آن مصادف با سال‌های اولیه بعثت است و تعداد مسلمانان بسیار اندک و احتمالاً در حدود چهل نفر بوده است. تشریع قرض‌الحسنه در**

جامعه اسلامی آن زمان نشانگر آن است که در همان جامعه کوچک، گروهی دارای ثروت و مکنت و طایفه‌ای فاقد امکانات امرار معاش و فاقد شغل و کار و کاسبی بوده‌اند و خداوند مسئلهٔ قرض‌الحسنه را تشریع می‌کند و صاحبان سرمایه و بضاعت و کار و کاسبی را تشویق می‌کند تا بخشی از سرمایه خود را به‌عنوان قرض در اختیار نیازمندان قرار دهند (دعوتی، ۱۳۸۳، ص۳و٤).

نویسنده دیگری با نقد نظر علامه طباطبایی که «قرض حسن به خدا» را به انفاق در راه خدا تفسیر کرده، مقصود از «قرض حسن» را همان وام اصطلاحی به بندگان خدا دانسته است (ر.ک: پویان، ۱۳۹۳، ص۲۸ – ۳۱). از مفسران معاصر شیعی، بانو امین (بی‌تا، ج۲، ص۳۶۰)، ثقفی تهرانی، صاحب تفسیر ***روان جاوید*** (۱۳۹۸، ج۱، ص۳۰۹)، و ملکی میانجی، صاحب تفسیر ***مناهج البیان*** (۱۴۱۴، ج۲، ص۲۹۳)، «قرض حسن» در قرآن را به وام دادن به بندگان خدا تفسیر کرده‌اند. از مترجمان قرآن به زبان فارسی نیز فولادوند آن را به قرض دادن به بندگان خدا ترجمه کرده است (۱۴۱۸، ص۳۹).

۹. صله دادن به امام معصوم: اشکوری، مؤلف ***تفسیر شریف لاهیجی***، از مفسران معاصر شیعه، متأثر از روایات اهل‌بیت، «قرض حسن» در آیه ۲۴۵ سوره بقره را به صله دادن به امام تفسیر می‌کند و می‌نویسد: منظور از «قرض حسن» صله دادن به امام است؛ و مراد از «صله»، ادای حقوق امام از قبیل پرداخت خمس و غیر آن است (اشکوری، ۱۳۷۳، ج۱، ص۲۳۷). ثقفی و ملکی میانجی نیز علاوه بر تفسیر آن به قرض دادن به بندگان خدا، تحت تأثیر روایات اهل‌بیت، صله دادن به امام معصوم را نیز یکی از مصادیق قرض حسن دانسته‌اند (ملکی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۲۹۳). ثقفی می‌نویسد: «ظاهر آیه، علاوه بر صلة الامام، شامل قرض‌الحسنه و هر صله و برّ و احسان مالی است که به قصد قربت واقع شود؛ چون تمام آنها معامله با خداست (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج۱، ص۳۰۸).

اینها تقریباً همهٔ دیدگاه‌هایی‌اند که مفسران در تفسیر «قرض حسن» بیان داشته‌اند و از میان آنها دو تفسیر، مطلق انفاق در راه خدا، و قرض دادن مال به بندگان خدا، از شهرت بیشتری برخوردار است. همچنین بیشتر مفسران ـ به جز مفسرانی که ذیل آیه ۲۴۵ سوره بقره به انفاق در راه جهاد تفسیر کرده‌اند ـ تعبیر صریح آیه در قرض دادن به خدا را تأویل برده و بدون دلیل کافی، به انفاق در راه خدا یا قرض دادن به بندگان خدا معنا کرده‌اند؛ درحالی‌که ده‌ها آیه در قرآن مجید درباره انواع انفاقات واجب و مستحب و پاداش آنها آمده است.

با توجه به روایات منقول از اهل‌بیت در تفسیر «قرض حسن به خدا» به ارسال دراهم و صله دادن به امام معصوم، انتظار بود که مفسران شیعه بالاتفاق قرض حسن را مطابق روایات اهل‌بیت تفسیر کنند؛ اما از مفسران شیعه تعداد اندکی آیه را با توجه به روایات ائمه به صله دادن به امام تفسیر کرده یا یکی از مصادیق مهم آن دانسته‌اند و اغلب از «قرض حسن» تفاسیری شبیه مفسران اهل‌سنت ارائه داده‌اند. نکته متمایز در تفاسیر شیعی این است که برخی مفسران شیعه تحت تأثیر روایات اهل‌بیت، صله دادن به امام را یکی از مصادیق «قرض حسن» یا برترین مصداق آن دانسته‌اند. همچنین تفسیر «قرض حسن» در قرآن به قرض‌الحسنه دادن به بندگان خدا، تنها در تفاسیر شیعی متأخر و عمدتاً معاصر مشاهده می‌شود.

معنای «قرض حسن» در فرهنگ عرب

به منظور دریافت دقیق معنای «قرض حسن»، نخست لازم است این مفهوم در فرهنگ عرب بررسی و بازکاوی شود. معنای اصلی ماده «قرض»، بریدن و جدا کردن بخشی از یک چیز است (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۰۴، ج۵، ص۷۱؛ ازهری، بی‌تا، ج۸، ص۲۶۶؛ فیومی، ۱۴۲۵، ج۲، ص۴۹۱). احتمالاً در اصل، بریدن با دندان نیش بوده است؛ و به خرده‌های نان و لباس که موش ریزریز می‌کند، «قُراضه» گویند (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۱۰، ج۵، ص۴۹). قیچی را نیز بدین جهت مقراض گفته‌اند که وسیله بریدن و جدا کردن است و «قُراضه» به سرقیچی‌هایی گفته می‌شود که خیاط از پارچه دور می‌ریزد (ازهری، همان؛ ابن منظور، ۱۴۲۶، ج۷، ص۲۱۶). «انقرض القومُ» نیز یعنی آن قوم درگذشتند و از زندگی جدا و بریده شدند (جوهری، ۱۳۷۶، ج۳، ص۱۱۰۱). به شعر گفتن (نطق الشعر/ قول الشعر) نیز قرض گویند. «قَرَضتُ الشعرَ»، یعنی شعر گفتم (فراهیدی، همان؛ جوهری، همان)؛ سپس مشتقاتی از این ماده، مجازاً در معنای مدح یا مذمت دیگری به‌کار رفته است و این احتمالاً بدان سبب بوده که غالباً شاعران با قطعه شعری دیگری را مدح یا هجو می‌کرده‌اند. همچنین به هر کار نیک یا بدی «قرض» گویند (جوهری، ۱۳۷۶، ج۳، ص۱۱۰۲). ترکیب «قرض حسن» نیز در کاربردی مجازی به معنای عمل نیک است در مقابل «قرض سیئ» به معنای عمل بد. زجاج (د۳۱۲ق) گوید: قرض حسن هر عمل نیک یا بد را گویند. امیه گفته است:

كلُّ امرِءٍ سَوفَ يجزَى قرضُهُ حسنا أو سيئا و مَديناً مثلَ ما دانا

هر فردی به‌زودی پاداش عمل خود را خواه نیک باشد یا بد، می‌بیند؛ و همان‌گونه که عمل کرده است، جزا داده می‌شود.

در بیت دیگری آمده است:

تجازَى القروضُ بأمثالِها فبالخَيرِ خيراً و بالشّرِّ شرّاً

قرض‌ها (اعمال و رفتار) به‌مانند خودشان پاداش داده می‌شوند. به قرض نیک پاداش نیک و به قرض بد (رفتار بد) پاداش بد (قرطبی، ۱۳۶۴، ج۳، ص۲۳۹).

در بیت نخست «قرض» به «حسن» و «سیئ»، و در بیت دوم به «خیر» و «شر» وصف شده است. این توصیف شاهد آن است که مقصود از «قرض»، فقط وام دادن مال نیست. اخفش نیز گفته است: عرب به هر کسی که درباره او کار خیری انجام دهد، می‌گوید: «قد أحسنت قرضی» یا «قد أقرضتنی قرضاً حسناً». باب تفاعل این کلمه در بارهٔ مدح و ذم نیز به‌کار می‌رود. «هما یتقارضان المدحَ» یا «هما یتقارضان الخیر و الشر»؛ یعنی هر یک از این دو دیگری را مدح یا مذمت می‌کند. باب مفاعله این کلمه نیز به معنای بدگویی کردن از کسی و دشنام دادن به‌کار رفته است، «إن قارَضْتَ الناسَ قارَضُوکَ»؛ یعنی اگر مردم را دشنام دهی، تو را دشنام می‌دهند (مجازات می‌کنند. و به عمل یا سخن بد نیز «قِراض» گویند. باب افتعال این کلمه (اقتراض) نیز به‌معنای عیب‌جویی و غیبت کردن به‌کار می‌رود (ازهری، بی‌تا، ج۸، ص۴۶۷؛ زمخشری، ۱۴۱۴، ج۳، ص۴۶ و۸۳). کاربرد این کلمه درباره وام

دادن مال به دیگری نیز شایع بوده است. باب افعال این کلمه در مورد مال یا هر چیزی به‌کار می‌رود که انسان به دیگری عطا کند و بر آن پاداش داده شود (ابن منظور، ۱۴۲۶، ج۷، ص۲۱۷). همچنین گویند: «واستَقْرَضْتُ من فلان، فأقْرَضَنِی»؛ یعنی از فلانی مالی را به قرض خواستم و او به من قرض داد (جوهری، ۱۳۷۶، ج۳، ص۱۱۰۲). همچنین اهل حجاز به مضاربه، «مقارضه»، و به مالی که برای مضاربه و تجارت به دیگری قرض می‌دهند، «قِراض» گویند؛ زیرا تجارت، اغلب از طریق مسافرت و قطع و پیمودن زمین (قَرضَ فی الارض) انجام می‌گرفته است (زمخشری، ۱۴۱۴، ج۳، ص۹۱).

از بررسی معانی و کاربردهای مختلف «قرض» در فرهنگ عربی به‌دست می‌آید که اولاً معنای عام واژه «قرض»، قطع و جدا کردن است؛ ثانیاً واژه «قرض»، در معنای قرض دادن مال به دیگری نیز به‌کار رفته است؛ ثالثاً ترکیب وصفی «قرض حسن»، در معنای رفتار و تعامل نیکو و حمایتگرانه و مدح‌آمیز با دیگری به قصد دریافت پاداش به‌کار رفته است، که شامل مساعدت مالی نیز می‌شود. در مقابل، «قرض سیئ» به معنای رفتار سوء و عیب‌جویانه و مذمت‌آمیز است؛ رابعاً باب افعال این ماده، پیش از تفسیر، به دو معنای قرض دادن مال به دیگران و هم تعامل غیرمالی، اعم از زبانی و یاری بدنی و رفتاری با دیگران، به‌کار رفته است و می‌تواند با دو وصف «حسن» یا «سیئ» همراه شود و بر مدح و حمایت زبانی و یاری بدنی یا مذمت عدم حمایت نیکوی زبانی یا عدم کمک بدنی نیکو، دلالت کند.

نسبت دادن قرض به خداوند در قرآن

حاصل بررسی لغوی این شد که فعل «أقرض» در ترکیب «أقرَضَ قرضاً حسناً» به دو معنا قابل تفسیر است: ۱. مالی را به‌نیکویی به دیگری قرض دادن تا پس از مدتی آن را به قرض‌دهنده بازگرداند؛ ۲. به‌نیکویی و به‌طور شایسته زبان به مدح و حمایت از دیگری گشودن و به او کمک و یاری رساندن، تا به‌نیکویی به وقت نیاز، او هم از شما حمایت کند و به شما یاری رساند. جامع این هر دو معنا، به‌نیکویی از دیگری حمایت کردن و به او یاری رساندن است، با دو مصداق یاری و حمایت مالی و مجاهدت بدنی. حال سؤال این است: هنگامی که سخن از «قرض حسن به خدا دادن» به میان می‌آید ـ مثلاً أقرِضُوا اللهَ قرضا حسناً ـ مقصود چیست؟ با توجه به منزه بودن ذات خدا از نقص و نیاز و صفات آدمیان.

در پاسخ باید گفت: این عبارت قابلیت تفسیر به وجوه مختلفی دارد؛ از جمله: ۱. با تقدیر «عباد الله»، مقصودْ قرض مالی به بندگان خدا باشد؛ ۲. با تقدیر «عباد الله»، مقصود یاری بندگان خدا باشد؛ ۳. با تقدیر «عباد الله»، مقصود هرگونه انفاق مال و کمک بلاعوض به بندگان خدا باشد؛ ۴. بدون تقدیر، مقصود این باشد که مؤمنان کمک مالی خود را در اختیار پیامبران و حجت‌های الهی قرار دهند تا آنان در راه خدا هزینه کنند؛ ۵. مقصود، مجاهدت در راه خدا و دین خدا و یاری پیامبران و حجت‌های الهی باشد؛ ۶. مقصود، اطاعت و بندگی و عمل به دستورات دینی باشد؛ چه اینکه اطاعت از دستورات الهی، خود نوعی یاری کردن خدا و مجاهدت در راه خداست.

اینها احتمالات معنایی مختلفی است که زبان آیه قابلیت پذیرش آنها را داشته است و تقریباً همهٔ آنها از سوی مفسران بیان شده‌اند. ترجیح هر یک از این وجوه بر معانی دیگر، نیازمند شاهد و قرینه است و مهم‌ترین قرینه، سیاق آیات و بررسی موضوعی عبارت مورد بحث در قرآن مجید است.

بررسی معنای «قرض حسن» در قرآن

بعد از بررسی لغوی مفهوم «قرض حسن»، لازم است معنای این واژه در قرآن بررسی و مقصود نهایی از این مفهوم با توجه به سیاق آیات کشف شود. این مفهوم به صورت «قرض حسن» شش بار در قرآن مجید آمده و در همه موارد فعل آن از باب افعال با صیغه‌های ماضی و مضارع و امر است (أقرضتم، أقرَضوا، تقرضوا و أقرِضوا، هر کدام یک بار، و یقرِض دو بار). ازآنجاکه ممکن است فضای نزول آیه در فهم مقصود از «قرض حسن» کمک کند، در این بخش موارد کاربرد «قرض حسن» در قرآن مجید را به ترتیب نزول بررسی می‌کنیم. معیار ترتیب نزول سوره‌ها نیز روایت عطا خراسانی از ابن عباس است که صحیح‌ترین روایت در میان روایات ترتیب نزول بوده و طبرسی (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱۰، ص۶۱۲ – ۶۱۴؛ زرکشی، ۱۴۱۰، ج۱، ص۲۸۰ – ۲۸۲) به آن اعتماد کرده است:

آیهٔ اول: إِنَّ رَبَّکَ یعْلَمُ أَنَّکَ تَقُومُ أَدْنی مِنْ ثُلُثَی اللَّیلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ... عَلِمَ أَنْ سَیکُونُ مِنْکُمْ مَرْضی وَآخَرُونَ یضْرِبُونَ فِی الْأَرْضِ یبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ یقاتِلُونَ فی سَبیلِ اللَّهِ فَاقْرَؤُا ما تَیسَّرَ مِنْهُ وَأَقیمُوا الصَّلاةَ وَآتُوا الزَّکاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً وَما تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِکُمْ مِنْ خَیرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَیراً وَأَعْظَمَ أَجْراً وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحیمٌ (مزمل:۲۰)؛ همانا پروردگارت می‌داند که تو نزدیک به دو سوم شب و نیم آن و یک سوم آن را به نماز برمی‌خیزی... می‌داند که برخی از شما بیمار و برخی دیگر به جست‌وجوی فضل خدا (روزی) در سفرند و گروهی دیگر در راه خدا کارزار می‌کنند. پس هرچه میسر شود، از آن بخوانید و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و خدای را قرض دهید، قرضی نیکو؛ و هر کار نیکی که برای خویشتن پیش فرستید، آن را نزد خدای بازیابید (به پاداش آن می‌رسید)؛ که آن بهتر و مزدش بزرگ‌تر است؛ و از خدا آمرزش بخواهید، که خدا آمرزگار و مهربان است.

این آیه در سوره مکی مزمل آمده است. با اینکه سوره مزمل طبق روایت پیش‌گفته، سومین سوره نازل‌شده در مکه است، اما نزول این آیه شریفه بنا به نظر برخی مفسران، به فاصله شش ماه یا ده سال بعد از نزول بخش نخست سوره نازل شده است (ر.ک: طباطبایی، ج۲۰، ص۷۴؛ دروزه، ۱۴۲۱، ج۱، ص۴۲۶). در این آیه، خدای تعالی مؤمنان را به جای شب‌زنده‌داری در حدود نیمی از شب، به قرائت قرآن در حد ممکن، اقامه نماز، پرداخت زکات و قرض‌الحسنه دادن به خدا امر کرده است. در اینجا دو قرینه نقش روشنی در تعیین معنای «قرض حسن» دارند: الف) هم‌نشینی «آتیتم الزکاة»؛ ب) «یقاتلون».

توضیح آنکه «زکات» در قرآن مجید، به‌ویژه در آیات و سور مکی، به معنای هرگونه انفاق مال در راه خداست (قرشی، ج۳، ص۱۷۰). زمان و فضای نزول آیه شریفه نیز مکه است که هنوز در آنجا زکات واجب تشریع نشده بود.

بنابراین مقصود از زکات در آیه شریفه، مطلق انفاقات، و مقصود از «قرض حسن» معنایی غیر از آن است؛ زیرا اگر به معنای مطلق انفاق یا انفاق مستحبی در راه خدا باشد، مستلزم تکرار خواهد بود و این برخلاف بلاغت قرآن است.

قرینه دوم، هم‌نشینی «یقاتلون» در آیه است که تعیین‌کننده مقصود از «قرض حسن» در میان معانی و مصادیق مختلف این واژه است. غرض آیه شریفه، سفارش مؤمنان به قرائت قرآن در همه احوال زندگی به‌قدر ممکن است. برای این منظور، خبر می‌دهد که بعد از این (سیکون) برخی مردم بیمار می‌شوند؛ برخی به سفر تجاری می‌روند و برخی در راه خدا به جنگ می‌پردازند. هر سه گروه به هر مقدار که برایشان میسر است، قرآن بخوانند؛ نماز اقامه کنند؛ اموال خود را به‌منظورتزکیه روح در راه خدا به نیازمندان انفاق نمایند و به خدا قرض حسن دهند. در اینجا، امر به اقامه نماز و پرداخت زکات به‌عنوان عبادت بدنی و مالی خداوند ـ که دو بخش اصلی از احکام عملی دین را شکل می‌دهند ـ همانند مواضع فراوان در قرآن، در کنار هم آمده و یک واحد مستقل از دیگر اجزای آیه به‌شمار می‌آیند؛ ازاین‌رو به قرینه «یقاتلون»، قرض حسن به خدا به مقاتله و کارزار در راه خدا مربوط می‌شود و هم به‌معنای کمک مالی و هم مجاهدت بدنی و جانی در راه خدا قابل تفسیر است.

افزون بر این با توجه به کاربردهای لغوی «قرض حسن» که به‌معنای کمک و احسان فردی به فرد دیگر است، تعبیر قرض دادن به خدا در شش آیه قرآن، در اصل باید مستقیماً به خود خداوند مرتبط باشد؛ و ازآنجاکه خدای تعالی منزه از هرگونه نیاز و فقر است، این کمک و احسان باید به چیز منتسب به خدا، مثلاً دین خدا یا پیامبر خداﷺ باشد؛ چنان‌که در برخی از آیات، بیعت با پیامبرﷺ یا اطاعت از ایشان، بیعت با خدا و اطاعت از او شمرده شده است (ر.ک: فتح: ۱۰؛ نساء: ۸۰). بنابراین مطابق این استدلال عقلی و قرینه سیاقی، مقصود از قرض دادن به خدا، درواقع کمک مالی یا مجاهدت بدنی به پیامبرﷺ به‌منظور یاری دین خدا خواهد بود.

آیهٔ دوم: «مَنْ ذَا الَّذی یقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیضاعِفَهُ لَهُ أَضْعافاً کَثیرَةً وَاللَّهُ یقْبِضُ وَیبْصُطُ وَإِلَیهِ تُرْجَعُونَ» (بقره: ۲۴۵)؛ کیست که خدای را قرض دهد، قرضی نیکو، تا او را افزون دهد افزونی‌های بسیار؟ و خدا [روزی را] تنگ و فراخ می‌کند، و بازگشت شما به سوی اوست.

سوره بقره هشتاد و ششمین سوره قرآن و نخستین سورهٔ نازل‌شده در مدینه است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱۰، ص۶۱۳) که تاریخ نزول آن در دو سال اول بعد از هجرت بوده است. در این آیه، خداوند با یک جمله پرسشی مؤمنان را به قرض حسن به خدا تشویق می‌کند و در ازای آن، وعده می‌دهد که قرض حسن آنان را با پاداش چندین برابر به آنان بازخواهد گرداند و قبض و بسط زندگی آدمیان به دست اوست. سیاق این آیه ـ که قبل از آن، آیه امر به قتال و جنگ آمده ـ به‌روشنی دلالت دارد که این قرض به خدا، مربوط به کمک مردم به جنگ و جهاد در راه خداست؛ و ذیل آیه که قبض و بسط زندگی را به دست خدا می‌داند، مقصود از قرض را به مصداق مالی آن انصراف می‌دهد. به همین دلیل، برخی مفسران، مانند عبده (۱۴۱۴، ج۲، ص۴۶۲)، سیدقطب (۱۴۲۵، ج۱، ص۲۶۵)، بلاغی (۱۳۸۶، ج۱، ص۱۹۴)، صابونی (۱۴۲۱، ج۱، ص۱۴۱) و برخی دیگر، «یقرض الله قرضاً حسناً» در این آیه را به انفاق مال در راه جهاد و تأمین هزینه جنگ و دفاع از حوزه اسلامی تفسیر کرده‌اند.

آیهٔ سوم: «مَنْ ذَا الَّذی یقْرِضُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً فَیضاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ کَریمٌ» (حدید: ۱۱)؛ کیست که خدای را قرض دهد، قرضی نیکو؟ تا او را دوچندان باز دهد و او را مزدی گران‌مایه باشد.

آیهٔ چهارم: «إِنَّ الْمُصَّدِّقینَ وَالْمُصَّدِّقاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً یضاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ کَریمٌ» (حدید: ۱۸)؛ همانا مردان و زنان صدقه‌دهنده و آنان که خدای را قرض دادند قرضی نیکو، به آنان دوچندان بازداده شود و ایشان مزدی گران‌مایه دارند.

سوره حدید هشتمین سورهٔ نازل‌شده در مدینه (طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱۰، ص۶۱۳) و سومین سوره مشتمل بر مفهوم «قرض حسن» است و دو بار تعبیر قرض حسن به خدا دیده می‌شود. در آیه ۱۱ این سوره، در تعبیری مشابه با سوره بقره، با کلمه پرسشی باز مؤمنان به قرض حسن دادن به خدا تشویق شده‌اند؛ سپس از وعده پاداش دوبرابری آن سخن گفته شده است، به‌علاوهٔ مزد کریمانه؛ و در آیه ۱۸ همین سوره، خداوند از مردان و زنانی که صدقه می‌پردازند و به خدا قرض حسن می‌دهند، تمجید کرده و به آنان وعده پاداش دوبرابری و مزد نیکو داده است. سیاق این آیات به‌روشنی بر جهاد در راه خدا دلالت دارد و آیه ۱۰ این سوره صریحاً از انفاق مؤمنان قبل از فتح و بعد از فتح، همراه با کارزار در راه خدا یاد کرده است. مقصود از «فتح» در این آیه، چه ماجرای صلح حدیبیه باشد و چه فتح مکه (ر.ک: طبری، ج۲۷، ص۱۲۷؛ طبرانی، ۲۰۰۸، ج۶، ص۲۰۴)، مقصود از انفاق قبل از فتح و بعد از فتح و شرکت کردن در جنگ و جهاد، کمک‌های مالی مسلمانان برای تأمین هزینه جنگ دو غزوه یادشده خواهد بود. صدر آیه ۱۰ (وَما لَکُمْ أَلاَّ تُنْفِقُوا فی سَبیلِ اللَّه) قرینه روشنی است که معنای «قرض حسن» در این آیه را از مجاهدت بدنی به کمک مالی انصراف می‌دهد.

آیه ۱۸ این سوره نیز از سیاق آیات قبل و بعد از آن جدا نیست. در نتیجه، مقصود از قرض حسن در این آیه نیز همان مقصود آیه ۱۱ است. به‌علاوه در آیه ۲۵ همین سوره که سیاقی متصل به آیه ۱۸ دارد، از اهداف رسالت پیامبران، یعنی اقامه (محافظت از) قسط و میزان و انزال آهن و یاری خدا و پیامبرانش، سخن به‌میان آورده است. بنابراین می‌توان از این آیه و سیاق نتیجه گرفت که «قرض حسن» در معنای موسّع خود به‌کار رفته و از کمک‌های مالی یا کمک مالی و غیرمالی به پیامبرﷺ برای جنگ و جهاد در راه خدا و دفاع از کیان حاکمیت دین فراتر رفته است و علاوه بر موارد یادشده، هرگونه کمک مالی و غیرمالی به پیامبران به‌منظور ترویج دین خدا در زمین و اقامه قسط و عدالت و محافظت از عدالت در میان مردم را نیز شامل می‌شود.

آیهٔ پنجم: «إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً یضاعِفْهُ لَکُمْ وَیغْفِرْ لَکُمْ وَاللَّهُ شَکُورٌ حَلیمٌ» (تغابن: ۱۷)؛ اگر خدای را قرض دهید قرضی نیکو، آن را برای شما دوچندان کند و شما را بیامرزد؛ و خدا سپاس‌دار و بردبار است.

سوره تغابن مطابق بیشتر روایات ترتیب نزول، مدنی است و بیست و چهارمین سوره نازل‌شده در مدینه است. علامه طباطبایی این سوره را ازنظر نظم و سیاق، شبیه سوره حدید دانسته است (۱۳۹۰، ج۱۹، ص۲۹۴؛ نیز ر.ک: دروزه، ۱۴۲۱، ج۸، ص۵۴۴). فحوای آیات و سیاق سوره نشان می‌دهد که تمام سوره یک‌باره و آیات آن پشت سر

هم و در شرایط و فضای واحدی نازل شده است (دروزه، همان). مطابق سیاق سوره و روایات سبب نزول، این آیه نیز با جهاد در راه خدا و حمایت از پیامبرﷺ و دین خدا در ارتباط است. آیه ۱۲ این سوره، مؤمنان را به اطاعت از خدا و رسول فراخوانده، و در آیه ۱۴، برخی از همسران و فرزندان مؤمنان را دشمنان آنان معرفی کرده و مؤمنان را از آنان برحذر داشته است. مطابق روایات اسباب نزول، آیه ۱۴ خطاب به مؤمنانی است که به‌دلیل دلسوزی و محبت به خانواده‌های خود، از هجرت به‌سوی پیامبرﷺ یا شرکت در جهاد دست کشیدند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱۰، ص۴۵۲؛ دروزه، ۱۴۲۱، ج۸، ص۵۵۲)؛ سپس در آیه ۱۶، مؤمنان را به رعایت تقوا در حد توان و شنیدن و اطاعت و انفاق مال امر کرده است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنفِقُوا خَيرا لِّأَنفُسِكُمْ» و در آیه ۱۷ آنان را به قرض حسن دادن به خدا ترغیب می‌کند وعده می‌دهد که اگر به خدا قرض حسن دهید، خداوند آن را برای شما دوبرابر می‌کند گناهانتان را می‌آمرزد و خداوند، خوب سپاسگزار و بردبار است. بدین ترتیب، به‌حکم سیاق آیات می‌توان نتیجه گرفت که در این سوره نیز منظور از انفاق مال، همه انفاقاتی است که یک فرد مؤمن به بندگان خدا می‌بخشد و مقصود از «قرض حسن»، انفاقات و جهادی است که در راه اطاعت از خدا و پیامبر و جهاد و هجرت در راه خدا و دفاع از دین خدا یا گسترش دین خدا انجام می‌دهد.

آیهٔ ششم: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ ميثاقَ بَنى إِسْرائيلَ وَبَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَى عَشَرَ نَقيباً وَقالَ اللَّهُ إِنِّى مَعَكُمْ لَـئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاةَ وَآتَيتُمُ الزَّكاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلى وَعَزَّرْتُموهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضاً حَسَناً لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيئاتِكُمْ...» (مائده: ۱۲)؛ و هرآینه خداوند از فرزندان یعقوب پیمان گرفت؛ و از ایشان دوازده مهتر و سرپرست برانگیختیم؛ و خدای گفت: من با شمایم، اگر نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگانم ایمان آورید و ایشان را یاری کنید و بشکوه دارید و خدای را قرضی نیکو دهید، هرآینه بدی‌های شما را از شما بزدایم... .

ششمین مورد کاربرد قرض‌الحسنه در سوره مائده، آمده که از نظر ترتیب نزول، بیست و هشتمین سوره نازل‌شده در مدینه است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج۱۰، ص۶۱۳). در این آیه شریفه، خدای تعالی از پیمان اخذشده از بنی‌اسرائیل خبر می‌دهد که در آن به اقامه نماز، پرداخت زکات، ایمان به پیامبران الهی و یاری و بزرگداشت آنان، و قرض حسن به خدا دستور داده شده است.

در اینجا نیز امر به قرض حسن دادن به خدا در ردیف ایمان آوردن به پیامبر و یاری پیامبران قرار گرفته است و این نشان می‌دهد که مقصود از قرض حسن به خدا، قرض دادن به بندگان خدا یا هرگونه انفاق در راه خدا نیست؛ بلکه مقصود از آن، جهاد مالی، یا جهاد مالی و جانی در راه یاری پیامبران است؛ اما در این آیه نیز احتمالاً جمله «عَزَّرتموهم» معنای قرض حسن را از مجاهدت بدنی انصراف می‌دهد و به کمک مالی محدود می‌کند. اینکه برخی مفسران «قرض حسن» در این آیه را به انفاقات مستحبی، و ایتای زکات را به انفاقات واجب تفسیر کرده‌اند (ر.ک: رشیدرضا، ۱۴۱۴، ج۶، ص۲۸۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۵، ص۲۴۰)، پذیرفته نیست؛ زیرا بعد از آنکه تعبیر «ایتای زکاة» در آیات فراوانی در کنار «اقامه صلاة» آمده و مقصود از آن، به‌ویژه در

آیات مکی، مطلق انفاقات در راه خداست (ر.ک: قرشی، ۱۳۷۱، ج۳، ص۱۷۰)، بدون دلیل روشن نمی‌توان در این آیه یا هر آیه دیگر این تعبیر را به پرداخت زکات واجب محدود کرد. افزون بر اینکه فاصله شدن جمله «عزّرتموهم» میان ایتای زکات و قرض دادن حسن، شاهدی گویاست بر اینکه مقصود از «قرض حسن» در این آیه، انفاقات مستحب و از قبیل ذکر خاص بعد از عام نیست.

حاصل این بررسی نشان می‌دهد که با توجه به کاربرد «قرض حسن» در فرهنگ عرب، می‌توان گفت که مفهوم قرآنی «قرض حسن به خدا» قابل تفسیر به معنای عام «هر نوع عمل خداپسندانه، اعم از مالی و بدنی» است؛ اما با نظر به سیاق آیات مشتمل بر این مفهوم و سیاق کل قرآن، مقصود از «قرض حسن به خدا»، اولاً کمک‌های مالی است که مؤمنان در راه جهاد با دشمنان و به‌منظور دفاع از دین خدا و حاکمیت اسلام، در اختیار پیامبر قرار می‌دهند؛ ثانیاً با توجه به برخی آیات، مانند آیه ۲۰ سوره مزمل و آیه ۱۸ سوره حدید، علاوه بر قرض مالی، احتمالاً شامل مجاهدت بدنی و یاری غیرمالی به پیامبر در راه دفاع از دین یا ترویج دین هم می‌شود.

تفسیر «قرض حسن» در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام

درباره «قرض حسن» در قرآن، روایات متعددی از امام صادق و امام کاظم علیهما‌السلام نقل شده است که این مفهوم قرآنی را با تعابیر مختلف به صله و هدیه مالی بخشیدن به امام معصوم تفسیر کرده‌اند؛ مثلاً در یک روایت از امام موسی بن جعفر علیه‌السلام «قَرْضاً حَسَناً» به صله دادن به امام (صلة الامام)، یعنی بخشش مالی به امام معصوم (عیاشی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۱۳۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج۸، ص۳۰۲) و در روایت دیگر از همین امام به هدیه و بخشش مالی به امام در دولت‌های فاسق تفسیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج۸، ص۳۰۲).

همچنین در روایتی از امام صادق علیه‌السلام، حضرت با بیان اینکه نزد خدا چیزی محبوب‌تر از اختصاص درهم به امام علیه‌السلام نیست، مقصود از «قرض حسن» را صله به امام تفسیر کرده‌اند (ر.ک: همان، ج۱، ص۵۳۷). همچنین در روایتی دیگر از همین امام آمده است: درهمی که به امام صله داده شود، از هزاران هزار درهمی که در مورد دیگری فی‌سبیل‌الله هزینه گردد، بهتر است (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج۲، ص۷۳؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۷۱۱). در روایت دیگری از آن حضرت، «قرض حسن» به صله رحم، و سپس «رحم» به خویشاوندی آل محمد علیهم‌السلام، یعنی اهل‌بیت خاص پیامبر علیهم‌السلام تفسیر شده است (ر.ک: بحرانی، ۱۴۱۵، ج۱، ص۵۴۱).

ممکن است معانی بیان‌شده در این روایات، تأویل یا معنای باطنی این آیات یا یکی از مصادیق مفهوم عام «قرض حسن» تلقی شود؛ چنان‌که برخی از مفسران شیعی به همین دیدگاه دوم گرایش یافته‌اند؛ اما همان‌گونه که بیان شد، مطابق سیاق، در قرآن مجید، این تعبیر قرآنی صرفاً در همین مصداق خاصش به‌کار رفته و بر مصادیق دیگر آن دلالتی ندارد؛ همانند بسیاری از کلمات دیگر که در قرآن در معنای خاص‌تری از کاربرد گسترده لغوی‌شان به‌کار رفته‌اند.

همچنین روشن شد که روایات منقول از اهل‌بیت‌ﷺ مبتنی بر دقیق‌ترین تفسیر از «قرض حسن» بوده و کاملاً با سیاق آیات و بررسی موضوعی این مفهوم در قرآن منطبق است، و این روایات درصدد بیان معنای باطنی یا بیان یکی از مصادیق قرض حسن در کنار دیگر انفاقات ـ آن‌گونه که مفسران پنداشته‌اند ـ نیست؛ منتها با در نظر گرفتن این نکته که ائمه‌ﷺ آیه شریفه را در همان چارچوب عصر نزول، یعنی کمک برای دفاع از کیان دین و ترویج و گسترش آن، اما متناسب با زمان خود تفسیر کرده و مصداق امروزی آن را برای مخاطب بیان داشته‌اند؛ زیرا بعد از رسول خداﷺ تنها کسی که شایسته جانشینی پیامبرﷺ است و باید در زیر پرچم او به جهاد در راه خدا و دفاع از دین و حاکمیت اسلام و گسترش دین در زمین اقدام کرد و در این راه به بذل مال و جهاد اقدام کرد، امام معصوم است. این تفسیر از اهل‌بیت‌ﷺ به ما اجازه می‌دهد که مدلول قرض حسن در زمان غیبت امام معصوم را به کمک‌های مالی مؤمنان به‌منظور ترویج دین و دفاع از کیان دین و جامعه مسلمانان به نائبان امام معصوم، یعنی فقهای جامع‌الشرایط یا ولی‌فقیه در حکومت، تعمیم و توسعه دهیم. ناگفته نماند که اگر مبنای مفسر یا محققی این باشد که آیات شریفه قرآن، علاوه بر دلالت سیاق و اوّلی خود، این قابلیت را دارند که با قطع نظر از سیاق نیز تفسیر شود و معنای غیرسیاقی آنها هم حجت است، در این صورت می‌تواند بعد از این معنای اوّلی و اصلی آیه، آیات قرض حسن را به هر یک از احتمالات دیگرش نیز تفسیر کند.

نتیجه‌گیری

از رهگذر بررسی دیدگاه‌های مفسران در تفسیر «قرض حسن» روشن شد که بیشتر مفسران متقدم، این مفهوم را بدون در نظر گرفتن سیاق، و عام تفسیر کرده و برای «قرض» معانی‌ای مانند انفاق تبرعی، صدقه، قرض دادن به مردم، عمل صالح، انفاق در راه خدا و... را بیان کرده‌اند. با بررسی مفهوم «قرض حسن» در لغت و فرهنگ عرب به‌دست آمد که ترکیب وصفی «قرض حسن»، در معنای رفتار و تعامل نیکو و حمایت‌گرانه و مدح‌آمیز با دیگری به‌قصد دریافت پاداش به‌کار رفته است، اعم از کمک مالی یا بدنی و نظیر آن، که شخص با هدف دریافت پاداش انجام می‌دهد؛ در مقابلِ «قرض سیئ» به معنای رفتار سوء و عیب‌جویانه و مذمت‌گرانه. بر این اساس، مفهوم «قرض حسن به خدا» در قرآن را می‌توان به معنای هر نوع عمل خداپسندانه دانست؛ اما با بررسی موضوعی این مفهوم در قرآن به‌دست آمد که این مفهوم در قرآن، اولاً در مصداق کمک‌های مالی و احیاناً در برخی آیات، مجاهدت غیرمالی (مجاهدت بدنی و زبانی و...) مؤمنان در راه جهاد با دشمنان به منظور دفاع از دین خدا و تثبیت حاکمیت اسلام، در کنار پیامبرﷺ و تحت رهبری آن حضرت بوده است؛ ثانیاً با توجه به روایات اهل‌بیت‌ﷺ، این کمک‌های مالی و جهاد بدنی در دوره پس از پیامبرﷺ با همان اهداف یادشده به امام معصوم اختصاص یافته و در عصر غیبت نیز به نواب عام امام قابل تعمیم است.

پی‌نوشت‌ها

۱. روش تحلیل محتوا (Content Analysis) روشی است متن‌محور که در آن تک‌تک واژگان و سپس استخراج مقوله‌ای کلی از متن، معنایی فراتر از آنچه در نگاه اول حاصل شده بود، به‌دست می‌دهد (ر.ک: فیروزان، ۱۳۶۰، ص ۲۱۱). تحلیل متن در ارتباط با متنی معنا پیدا می‌کند که برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم معینی نوشته شده و دارای ماهیتی مشخص باشد (عزتی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۰). در این روش تلاش می‌شود مراحل شکل‌گیری و ایجاد یک متن شناسایی شده و به واکاوی متن پرداخته شود و بدین ترتیب، تبیین مقبول‌تری از پدیده اختلاف در فهم متون دینی ارائه دهد (مقدم و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴۲). در روش مورد نظر بر دو مؤلفه تأکید می‌شود: نخست آنکه هر واژه قرآن در فرهنگ عرب عصر نزول بررسی و نزدیک‌ترین معانی به آن عصر استخراج می شود؛ دوم آنکه پس از کشف معنا یا معانی واژه در فرهنگ عرب، همه آیات مشتمل بر آن واژه از قرآن استخراج و به ترتیب نزول مرتب می‌گردد و با تکیه بر یک تحقیق موضوعی، معنای قرآنی آن واژه از مجرای کاربردهای قرآنی‌اش کشف می‌شود، و سرانجام معنای نهایی واژه با توجه به کاربرد قرآنی تعیین خواهد شد (ر.ک: خولی، ۱۹۶۱، ص۳۱۲ – ۳۱۴؛ بنت الشاطی، ۱۴۰۴، ص۲۱۴؛ طیب‌حسینی، ۱۳۹۵، ص۳۸ به بعد).

منابع

آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، ***روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم***، بیروت، دار الکتب العلمیه.

ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۴۱۳ق، ***من لا یحضره الفقیه***، بی‌چا، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ق، ***معجم مقاییس اللغه***، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، جمال‌الدین، ۱۴۲۶ق، ***لسان العرب***، بیروت، مؤسسه الأعلمی المطبوعات.

ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ق، ***تفسیر القرآن العظیم***، بیروت، دار الکتب العلمیة.

ازهری، محمدبن احمد، بی‌تا، ***تهذیب اللغه***، بی‌چا، بیروت، دار احیاء التراث النبوی.

اشکوری، محمد بن علی، ۱۳۷۳، ***تفسیر شریف لاهیجی***، تهران، داد.

امین، نصرت بیگم، بی‌تا، ***تفسیر مخزن العرفان***، بی‌جا، بی‌نا.

بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵ق، ***البرهان فی تفسیر القرآن***، قم، مؤسسة البعثة.

بلاغی، عبدالحجة، ۱۳۸۶ق، ***حجة التفاسیر و بلاغ الاکسیر***، قم، حکمت.

بنت الشاطی، عایشه، ۱۴۰۴ق، ***الاعجاز البیانی للقرآن و مسائل نافع ابن ازرق***، بی‌چا، قاهره، دار المعارف.

پویان، مرتضی، ۱۳۹۳، ***پژوهشی در باب قرض‌الحسنه در اسلام***، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸، ***روان جاوید در تفسیر قرآن مجید***، چ دوم، تهران، برهان.

جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم، ۱۳۶۲، ***تفسیر شاهی***، تهران، نوید.

جوهری، اسماعیل بن حمار، ۱۳۷۶ق، ***الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه***، قاهره، دار العلم الملایین.

خولی، امین، ۱۹۶۱م، ***مناهج تجدید***، بی‌جا، دار المعرفه.

رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ق، ***مفاتیح الغیب***، بی‌چا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۴ق، ***مفردات الفاظ القرآن الکریم***، چ سوم، قم، ذوی القربی.

رشیدرضا، محمد، ۱۴۱۴ق، ***تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار***، بی‌چا، بیروت، دار المعرفه.

زرکشی، محمدبن بهادر، ۱۴۱۰ق، ***البرهان فی علوم القرآن***، بیروت، دار المعرفه.

زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۱۴ق، ***الفائق فی غریب الحدیث***، بی‌چا، بیروت، دار الفکر.

ـــــ ، ۱۴۰۷ق، ***الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل***، چ سوم، بیروت، دار الکتاب العربی.

سیدبن قطب، ۱۴۲۴ق، ***فی ظلال القرآن***، چ پانزدهم، بیروت، دار الشروق.

طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۲۷ق، ***تفسیر البیان فی الموافقة بین الحدیث و القرآن***، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.

ـــــ ، ۱۳۹۰ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، چ دوم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

طبرانی، سلیمان ابن احمد، ۲۰۰۸م، ***التفسیر الکبیر***، اردن، دار الکتاب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲ق، ***تفسیر جوامع الجامع***، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.

ـــــ ، ۱۳۷۲، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، چ سوم، تهران، ناصرخسرو.

طبری، ابوجعفر محمدبن جریر، ۱۴۱۲ق، ***جامع البیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار المعرفه.

طوسی، محمد بن حسن، بی‌تا، ***التبیان فی تفسیر القرآن***، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.

طیب‌حسینی، سیدمحمود، ۱۳۹۵، ***درآمدی بر دانش مفردات***، چ ششم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

طیب، عبدالحسین، ۱۳۶۹، ***اطیب البیان فی تفسیر القرآن***، چ دوم، تهران، اسلام.

عزتی، مرتضی، ۱۳۷۶، ***روش تحقیق در علوم اجتماعی***، تهران، مؤسسه تحقیقات اقتصادی.

عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، ***کتاب التفسیر***، بی‌چا، تهران، علمیه.

فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، ۱۴۱۰ق، ***کتاب العین***، قم، هجرت.
فیروزان، توفیق، ۱۳۶۰، ***روش تحلیل محتوا***، تهران، آگاه.
فیومی، احمدبن محمد، ۱۴۲۵ق، ***مصباح المنیر***، چ سوم، قم، مؤسسه دار الهجره.
قرشی، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۷۱، ***قاموس قرآن***، چ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
قرطبی، محمد بن احمد، ۱۳۶۴، ***الجامع لاحکام القرآن***، تهران، ناصرخسرو.
کاشانی، فتح‌الله، بی‌تا، ***منهج الصادقین فی الزام المخالفین***، تهران، اسلامیه.
کاشفی، حسین بن علی، بی‌تا، ***تفسیر حسینی (مواهب علیه)***، سراوان، نور.
کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحق، ۱۴۰۷ق، ***الکافی***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
مصطفوی، حسن، ۱۳۸۰، ***تفسیر روشن***، تهران، کتاب.
مصلایی‌پور، عباس و محمدحسین شیرزاد، ۱۳۹۶، «بازخوانی مفهوم قرض در قرآن کریم با تکیه بر انسان‌شناسی اقتصادی»، ***مطالعات اقتصاد اسلامی***، ش۱۸، ص۷-۳۰.
مقدم، وحید، جانی‌پور، محمد و علی خلیلی، ۱۳۹۶، «الگوی بازار قرض‌الحسنه بر اساس تحلیل محتوای آیات قرآن»، ***اقتصاد اسلامی***، ش۶۵، ص۳۳-۶۱.
مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، ***تفسیر نمونه***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
ملکی میانجی، محمدباقر، ۱۴۱۴ق، ***مناهج البیان فی تفسیر القرآن***، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.